

## مقدمه :

- چکیده
- مقدمه
- روش کار
- دستاوردهای پژوهش

## چکیده

پایان نامه حاضر شامل یک مقدمه و سه بخش است:

- مقدمه شامل توضیحاتی در مورد اوستا، زبان اوستایی، وندیداد و به طور اختصاصی تر "وندیداد هجدهم" می باشد.
- بخش نخست متن اوستایی "وندیداد هجدهم" بر اساس نسخه گلدنر است.
- بخش دوم در مورد بررسی افعال و مشتقات آنها در وندیداد هجدهم می باشد که شامل دو قسمت است: قسمت اول به بررسی افعال و صفات فاعلی و مفعولی موجود در وندیداد هجدهم از لحاظ صرفی می پردازد، که حاصل این بررسی طی جداولی ارائه شده است. قسمت دوم در بر گیرنده بررسی نحوی افعال به همراه شواهدی از متن وندیداد هجدهم است.
- در بخش سوم افعال فارسی میانه و فارسی دری که ریشه در افعال وندیداد هجدهم دارند و همچنین افعال اهریمنی استفاده شده در این متن، آورده شده است.
- در آخر فهرستی از واژه هایی که از لحاظ صرف و نحو مورد بررسی قرار گرفته اند، به صورت نمایه ای تنظیم شده و به همراه پی نوشت و کتابنامه بخش پایانی این رساله را تشکیل می دهند.



## اوستا کتاب مقدس زرتشتیان

اوستا نامی است که سنت دینی مزدیسنی به مجموعه ای از متون مقدس اطلاق می کند. کتاب اوستا - کهن ترین اثر مربوط به مردم و زبان مشرق ایران - مجموعه ای است که از آموزشهای دین زرتشتی خصوصاً و اساطیر و فرهنگ مردم ایران عموماً بحث می کند. واژه اوستا در خود اوستا بکار نرفته است. اصل واژه مربوط به دوره میانه و برگرفته از متون دوره ساسانی است که در زبان پهلوی *apestāk* و بعدها *abestāg* تلفظ شده و در متون فارسی نو، اوستا و در متون تاریخی عربی: بستاه، البستاه، البستا و الابستاق آمده است. درباره معنی واژه اوستا نظرات گوناگونی گفته شده که از میان برداشتهای متفاوت معنی ستایش یا ستایش پاک مناسب تر می نماید.<sup>(۱)</sup>

زبان اوستایی بر مبنای اوستا نامگذاری شده است. از جهت ویژگیهای زبانی و خویشاوندی خانوادگی، زبان اوستا در گروه زبانهای ایرانی باستان و هم عرض زبان فارسی باستان (=زبان دوره هخامنشی) و زبان مادی است که منشعب از زبان فرضی ایرنی باستان است. که به همراه زبان ودا (=هندی باستان)، شاخه هند و ایرانی خانواده زبانی هند و اروپایی را تشکیل می دهد.

خطی را که کتاب اوستا بدان نوشته شده است «اوستایی» یا دین دبیری (=خط دین) گویند. الفبای اوستایی یک الفبای آوایی منفصل است که از لحاظ رده شناسی همانند الفبای یونانی است. این الفبا بر مبنای خط پهلوی شکل گرفته است.<sup>۱</sup>

بررسی اوستا از دو جنبه دارای اهمیت است زیرا از یک سو منتقل کننده تفکرات اولیه مزدایی است و از سویی دیگر تنها شاهد زبان اوستایی است که به همراه فارسی باستان زیرشاخه ایرانی از زبانهای هند و اروپایی را شامل می شود. بقای این مجموعه را مدیون تلاشهای موبدان مزدایی و قدرت سیاسی ساسانیان هستیم. به هر حال و متأسفانه تنها بخشی از آن توسط جامعه پارسیان هند و ایران بدست ما رسیده است که هنوز هم به این آئین باستانی ایمانی صادقانه دارند.<sup>۲</sup>

### سرگذشت اوستا

بنابر متون دوره میانه، بیست و یک نسک (=کتاب) اوستا که سخنان اهورامزداست، بوسیله زرتشت به نزد شاه گشتاسب آورده شد. طبق سنتی دیگر بنابه دستور دارای دارایان (=داریوش سوم، ۳۳۶ - ۳۳۰ پ م) دو کپی مکتوب از اوستا را در «گنج شاهیکان (=خزانه شاهی)» و دیگری در «دزنبشت»<sup>(۲)</sup> نهادند. در زمان حمله اسکندر،

۱. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: صص ۱۲-۱۳.

2. Kellens J.1989: p.36

اوستا به دست یونانیان از میان رفت یا تجزیه شد. آنان متون علمی اوستایی را که برایشان قابل استفاده بود، به زبان یونانی ترجمه کردند.

نخستین تلاش در بازیابی اوستا در دوره اشکانیان صورت پذیرفت. هنگامی که شاه بلاش بخشهای مکتوب و شفاهی اوستا را گرد آورد. در زمان ساسانیان این وظیفه طی

چهار مرحله انجام پذیرفت:

۱. دستور اردشیر (۲۲۶-۲۴۱ م) به موبد بزرگ تنسر و حمایت رسمی از وی برای

گردآوری و تکمیل بخشهای مختلف اوستا که از زمان اشکانیان آغاز شده بود.

۲. روزگار شاپور اول (۲۴۱ - ۲۷۲ م): آغاز جستجوی اسناد علمی که توسط

یونانیان و هندیها نابود شده بود و وارد کردن مجدد آنها به اوستا.

۳. روزگار شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م): بازنگری کلی این اسناد توسط آذرباد

مهراسپندان و تحکیم اصالت آن با پذیرفتن کیفر «وَر»<sup>(۳)</sup> در صورت بروز

اختلاف فرقه ای.

۴. روزگار خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م): بازنگری ترجمه پهلوی اوستا<sup>۱</sup>.

### خاستگاه متون اوستایی:

آنچه درباره زبان اوستایی مشخص است اینستکه این زبان با فارسی باستان یعنی زبان منطقه فارس تفاوت دارد. بنابراین مربوط به این سرزمین نیست. اما نسبت دادن خاستگاه

1. Kellens J.1989: p.35

آن به جاهای دیگر را نیز باید از خلال اشاره های مبهم خود کتاب اوستا دریافت. از میان اوستاشناسان تنها تدسکو زبان اوستا را مربوط به شمال غرب ایران می داند و گرنه دیگران اتفاق نظر دارند که خاستگاه این زبان شرق ایران است. ویژگیهای زبان کتاب اوستا و اشاره های متن آن نظر اخیر را تأیید می کند. اما برای تحلیل درست از مطالب مذکور در اوستا باید راهی دراز پیمود. اشاره های اوستا آمیزه ای از تاریخ و اسطوره هستند. شمار متنهایی که به جغرافیای تاریخی اشاره دارند در اوستا زیاد نیست. این مطالب را در فرگرد نخست و ندیداد و اشاره های پراکنده یشتها به ویژه سرزمینهایی که پهلوانان و قهرمانان اسطوره ای برای ایزدان قربانی می کنند و اغلب کرانه رودها و ستیغ کوههاست، می توان دید.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که خاستگاه نخستین ایرانیان منطقه ایست که شمالی ترین آن خوارزم<sup>(۴)</sup> و جنوبی ترین آن سیستان است. به هر حال ناحیه ای در شرق ایران است نه غرب یا شمال غرب. اما ایرانویج که در اوستا از آن بسیار نام برده شده است و غالباً آن را سرزمین اصلی آریائیا دانسته اند، به گمان نیولی سرزمین زرتشت و زرتشتیان است نه خاستگاه نخستین آریائیا. و بنابر سنت این نقطه مرکز زمین پنداشته شده و رود دائیتی (*dāiti*) و پل چینود و چکاد دائیتی در آنجاست و گاو و کیومرث نیز در آنجا آفریده شده اند و با توجه به اینکه این منطقه دارای آب و هوای کوهستانی و سرد توصیف شده، قابل قبول تر آنست که آنرا خوارزم بپنداریم.

## ویژگیهای زبان اوستایی

زبان اوستایی یعنی زبانی که در مجموعه اوستا بکار رفته است، یکدست نیست. برخی از بخشهای آن کهنه تر و از دید دستوری درست تر است و در پاره ای از بخشها قواعد دستوری به درستی رعایت نشده و پیداست که در دوره ای متأخرتر، یعنی زمانی که زبان اوستایی کاربرد گفتاری نداشته، نوشته شده است. ساختمان واژه های آن نیز مرحله جدیدی از تحول زبان را نشان می دهد. به هر حال این تفاوت یا نتیجه اختلاف زمانی است و یا آنکه تفاوتهای گویشی موجب آن شده است. بخش کهن تر اوستا را گاهان (اوستایی *gāθā*: نغمه، سرود) و بخش متأخر آن را اوستای جدید می نامند.

معتقدان بخشی از اوستا را که اوستای گاهانی یا کهن نامیده می شود، سرودهایی می دانند که به زرتشت الهام شده است و هیچگونه تغییر یا تحریفی در آنها راه نیافته و لب دین و چکیده همه مسائل اعتقادی در آن وجود دارد. از دید زبانشناختی و دستوری نیز این بخش دست نخورده به نظر می رسد و چهره نخستین زبان اوستایی را بازتاب می دهد. یعنی قدمت آن به زمان زندگی زرتشت می رسد. با توجه به اینکه زمان زندگی زرتشت نیز در هاله ای از ابهام قرار دارد، به یقین تاریخ دقیق بخش گاهانی اوستا را نمی توان مشخص کرد. جدیدترین تاریخ برای زندگی زرتشت ۲۵۸ سال پیش از اسکندر یعنی حدود قرن ششم پیش از میلاد؛ و کهن ترین آن ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد

می باشد. امروز پندار غالب بر این است که زمان تدوین گاهان حدود قرن دهم پیش از میلاد است و این تاریخ بیشتر بر مبنای زبان بکار رفته در گاهان تعیین شده است.

بخشهایی از اوستا که در مجموعه گاهان قرار نمی گیرند هرچند از جهت زبانی و محتوا با یکدیگر تفاوتهای آشکاری دارند، اما از آنرو که نوشته هایی هستند که پس از زرتشت تدوین شده اند آنها را اوستای نو یا جوان می گویند.

اختلافات صرفی اوستای کهن و نو غالباً طبق بندی شده و منظم اند. مثلاً همه واژه های کوتاه پایانی اوستای جدید در اوستای گاهانی کشیده هستند. تفاوتهای اساسی دو گویش در زبان و محتواست. زبان گاهان زبانی شاعرانه، هنری و ابهام زاست. حال آنکه زبان بکاررفته در اوستای نو نزدیک به محاوره و ساده تر از گاهان و ابهام آن تنها در بعد واژه شناسی است نه تعبیر و تفسیر مفهوم. زمان تدوین اوستای جدید احتمالاً حدود یک سده پس از زرتشت تا نزدیکی سده نهم میلادی بوده است.<sup>۱</sup>

### تقسیم بندی اوستا

اوستا و تفسیر آن یعنی زند، در کتاب هشتم دینکرد (مدن، ۱۹۱۱، ج ۲، ص ۶۷۷-۶۷۹) توصیف و معرفی شده اند. بنابر آنچه در اینجا آمده است، اوستای دوره ساسانی

۱. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: صص ۱۴-۱۵.



دربردارنده بیست و یک نسک (= کتاب) بوده و به سه گروه هفت نسکی تقسیم می شده است.

**الف)** گروه نخستین که نسکهای گاهانی گفته می شده اند گاهان، تفاسیر آن یا مطالبی را که به گاهان ارتباط داشته، شامل بوده است. هفت نسک گاهانی بدین شرح است:

(stut nask)	۱. ستوت نسک
(sūdgar)	۲. سودگر
(warštmānsar)	۳. ورشتمانسر
(bay)	۴. بگ
(waštag)	۵. وشتگ
(hādoxt)	۶. هادخت
(spand)	۷. سپند

**ب)** بخش دوم هادگ مانسریگ (hādag mansrīg) که دربدرارنده نیایشها و ذکرهایی بوده است که در آئینهای مذهبی خوانده می شده و در ردیف کلام ایزدی بوده است. نسکهای آن عبارتند از:

(dāmdād)	۱. دامداد
(nātar)	۲. ناتر
(pāzag)	۳. پازگ
(rad dādīg)	۴. رد دادیگ
(bariš)	۵. برش
(kaškisraw)	۶. کشکیسرو
(wištāsp-sāst)	۷. ویشتاسب ساست

بخش سوم دادیگ که دادها و نهادهای دینی است و هفت نسک آن چنین است:

(nikātom)	۱. نیکاتوم
(gonbā.sar.nīgat)	۲. گنبا سرنیجت
(huspāram)	۳. هوسپارم
(sakātom)	۴. سکا توم
(vidēwdād)	۵. ویدیوداد
(cihrdād)	۶. چهرداد
(bayān)	۷. بغان

در اینکه دینکرد تا چه حد مطالب اوستای اصلی را بازتاب می دهد، باید به چند نکته توجه داشت. یکی آنکه تجزیه و تحلیل متون دوره میانه اوستا، بر پایه گزارشهای زند<sup>(۵)</sup> آن استوار است. بنابراین متونی که تفسیر زند نداشته اند یا زند آنها موجود نبوده است در این کتاب به آنها توجهی نشده است. از میان رفتن برخی از مجموعه های حقوقی را کتابهایی مانند پرسشها و وئان سک نیز تایید می کنند. و سبب آنکه اوستای امروزی را یک سوم یا یک چهارم اوستای دوره ساسانی دانسته اند نیز توجه به همین مسائل و از میان رفتن کامل برخی از بیست و یک نسک موجود در دوره ساسانی بوده است. در برابر این تقسیم بندی سنتی، اوستای موجود را اکنون به پنج بخش<sup>(۶)</sup> تقسیم می کنند که عبارتند از: یسنا، یشتها، ویسپرد، وندیداد، خرده اوستا<sup>۱</sup>.

۱. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: صص ۲۱-۲۲.

**یسنا<sup>(۷)</sup>:**

از هفتاد و دو هات (=فصل) تشکیل شده است که هر هات دارای بندهایی است<sup>۱</sup>. گاهان هفده هات از هفتاد و دو هات یسن را تشکیل می دهد. موضوع یسنا متفاوت است. اما گاه دو یا چند یسن موضوع واحدی دارند. در یسنا نفوذ آئینهای پیش زرتشتی را آشکارا می توان دید. بعلاوه بازمانده برخی نسکهای ساسانی در آن دیده می شود. بطور کلی یسنا در بردارنده دعاها و نمازهایی است که در آئینهای گوناگون دینی برای منظورهایی خاص، موبدان و گروندگان می خوانند و برخی از آنها به ایزدی خاص اشاره دارند<sup>۲</sup>.

**یشتها<sup>(۸)</sup>:**

بیست و یک یشت اوستای کنونی شامل سرودهایی است که موضوع آنها ستایش آفریدگار و امشاسپندان و ایزدان است. بعضی از یشتها از نظر زبان بسیار کهنه تر می نمایند. قسمتهایی از یشتها در اصل منظوم یا بر حسب عقیده بعضی از محققان ترکیبی از نظم و نثر بوده است<sup>۳</sup>.

---

۲. ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۳: ص ۲۰.

۱. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: ص ۲۳.

۲. ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۳: ص ۲۰.

**ویسپرد<sup>(۹)</sup>:**

از بیست و چهار کرده (=فصل) تشکیل شده و هر کرده شامل بندهایی است.<sup>۱</sup> مطالب این فصل اوستا غالباً از یسنها برگرفته شده و در حقیقت مکمل یسناست و متن آن همراه با یسنا در آئینهای جشنهای فصلی (=گاهانبارها) یا جشنهای ماهیانه خوانده می شود.<sup>۲</sup>

**وندیداد:**

از بیست و دو فرگرد (=فصل) تشکیل شده و هر فرگرد شامل بندهایی است. در زبان اوستایی «وی دئودات (*vīdaeuuadāta*)» است و قانون ضد دیو معنی می دهد.

زرتشت در بند بیست و سوم از فرگرد پنجم در توصیف این قانون چنین می نویسد:

«این قانون دشمن دیوها و این قانون زرتشت بالاتر و زیباتر از کلامهای دیگر است.»<sup>۳</sup>

وندیداد را گاهی به تنهایی در مراسم می خوانند و گاهی با قسمتهایی از یسنا و ویسپرد خوانده می شود. مطالب وندیداد درباره آفرینش و جهان شناسی و قوانین و فرائض و آداب دینی است.<sup>۴</sup>

۳. ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۳: ص ۲۰.

۴. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: ص ۲۷.

۱. دارمستتر، جیمز ۱۳۸۲: ص ۹.

۲. خانلری، پرویز ۱۳۵۲: ص ۲۱۷.

**خرده اوستا:**

خرده اوستا یا اوستای کوچک مجموعه ای از دعاهای کوتاه خاص مردم زرتشتی است که آنها را در موقعیتهای خاص می خوانند. در برابر دعاهایی که خواندن آنها در مراسم دینی خاص روحانیان است. نام این کتاب فقط به صورت پهلوی آمده است و دربارهٔ زمان دقیق تدوین متون آن نمی توان اظهار نظر کرد. تدوین خرده اوستا به آذرباد مهراسپندان موبدان موبد شاپور دوم ساسانی نسبت داده شده است.<sup>۱</sup>

**وندیداد (vīdaeuuadāta) : داد جدا از دیو**

این نام در اصل نام نوزدهمین نسک اوستای دورهٔ ساسانی و در شمار بخش دادی آن بوده است. و تنها نسک از اوستای ساسانی است که امروزه تمام آن به دست ما رسیده است.

وندیداد به بیست و دو بخش تقسیم می شود که هر بخش آن را یک فرگرد می گویند. مطالب فرگردها به گونهٔ پرسش و پاسخ تنظیم شده، پرسشهایی که زرتشت از اورمزد می کند و اورمزد آنها را پاسخ می گوید. تألیف این بخش از اوستا را به پس از دورهٔ هخامنشیان نسبت می دهند و احتمالاً مغان غرب ایران که علاقه مندی خاصی به امور طهارت داشتند، پس از گرایش به دین زرتشتی در تدوین آن سهم بوده اند. بنابراین

---

۳. تفضلی، احمد ۱۳۷۶: ص ۴۲.

در متن وندیداد آثاری از قانونهای کهن پیش زرتشتی را در کنار دادها و قانونهای جدید دینی می توان دید.

وندیداد شرح پهلوی (=زند) نیز دارد و این متن زند از زند بخشهای دیگر بهتر و قابل فهم تر است. هرچند متن اوستایی آن مبهم است و خطاهای دستوری و کاربرد نادرست شناسه و تکرارهای نابجا بسیار در آن دیده می شود.

فرگرد نخست وندیداد تنها بخشی از اوستاست که درباره منشاء ایرانیان و خاستگاه نخستین آنها در قالب اسطوره آگاهیهای سودمندی دارد. در این فرگرد از شانزده جایگاه که سکونتگاه نخستین ایرانیان است سخن رفته و عوامل و علتها و آفتهایی که سبب ترک آن سرزمین و کوچ به جایگاه دیگری شده است نیز در آن آمده است.<sup>(۱۰)</sup>

فرگرد دوم داستان جم است و از اینکه چرا پیامبری را نپذیرفت و شاهی او چگونه بوده و سرانجام از زمستان سخت زمان او و ساختن ور<sup>(۱۱)</sup>، یعنی دژی که در آن بهترین گونه از آفریده ها نگهداری می شوند گفتگو شده است.<sup>۱</sup>

داستان جم گزارشی از اوضاع و احوالی است که چندین بار در دوران ماقبل تاریخ رخ داده و سرانجام به مهاجرت اقوام آریایی به سرزمین ایران منجر شده است. به دنبال انبوهی مردمان، جمشید به فرمان اهورامزدا با افزارهای جادویی سه بار زمین را که از بهر مردمان، جانوران و آتشیهای مقدس تنگ شده بود، فراخ کرد.

۱. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲:ص ۲۸.

در بخشی دیگر روایت رستاخیز و آخرت به عهده جمشید واگذار شده است. اهورامزدا در انجمنی از ایزدان و بهترین مردان، جم را از رسیدن زمستانی مرگبار که جهان آلوده استومند را نابود خواهد کرد، آگاه می کند و او را فرمان می دهد و می آموزد که وری بسازد و مایه و آخشیح جهان فرشکرد یعنی مردمان، جانوران، گیاهان و برگزیده ترین نمونه همه دامها و آتشیهای سرخ را از آن جایگاه باز آورد. در این روایت ساکنان ور جمکرد از بی مرگی و سعادت مطلق برخوردارند و آنانند که پس از پایان زمستان پر گزند از نو جهان را پر خواهند کرد.

این افسانه که در زمانهای بعدی استنساخ شده و پر از تحریفات است و در سراسر آن وزن اصلی شعر اوستایی جز در موارد نادری رعایت نشده است، از اندیشه ویرانی جهان بوسیله زمستانی سخت و وحشتناک در سرزمینهای شمالی به وجود آمده و از همین نواحی است که مهاجرت آریاییها در ترکستان و سبیری جنوبی که زمستانهای بس دراز دارند، آغاز شده است.<sup>۱</sup>

در فرگرد سوم نهادهایی مربوط به زمین و کشاورزی و آبادانی آن و روش دور داشتن آن از آلودگی شرح داده شده است.<sup>۲</sup> به موجب این فرگرد، زراعت و درختکاری است که زمین را شاد و خرسند می سازد و اهریمن و دیوان را می گریزند. هرگاه کسی

۱. زرشناس، زهره ۱۳۸۴: صص ۴۵-۴۶.

۲. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: ص ۲۸.

مرده یا لاشه ای را حمل کند و در زمین دفن کند، مستوجب عقوبت بسیار سنگینی می شود.<sup>۱</sup>

فرگرد چهارم شامل دادها و نهادهایی است که باید در پیمانها رعایت شود.<sup>۲</sup> در این فرگرد راجع به مسائل حقوقی و تعهدات و قراردادها<sup>(۱۲)</sup> و انواع و اقسام عهد و پیمان و کیفر تخلف از انجام عهد و پیمان سخن به میان آمده است.<sup>۳</sup>

فرگرد پنجم در مورد قانونهای مربوط به آلودگیها و ناپاکیهایی است که در هنگام لمس جسد مرده پیش می آید. در این فصل از شیوه پاکی و تطهیر چنین آلودگیهایی نیز سخن به میان آمده است.<sup>۴</sup> مطابق این فرگرد آب کشنده نیست بلکه دیو مرگ در آن نفوذ می یابد و انسان را خفه می کند. آتش کشنده نیست بلکه دیو مرگ در آن نفوذ می یابد و انسان را می سوزاند. جسد مرده از نفوذ دیو نسو آلوده و ناپاک می شود. زن پس از حمل ناپاک خواهد بود<sup>(۱۳)</sup> و باید آداب تطهیر انجام دهد.<sup>۵</sup>

فرگرد ششم نیز درباره شعائر و مراسمی است که با جسد مردگان انجام شده و کیفرهای سخت و طاقت فرسایی که در مورد نقض سنتهای آنها وضع شده است<sup>(۱۴)</sup>.

۳. دارمستتر، جیمز ۱۳۸۲: ص ۸۶.

۴. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: ص ۲۸.

۵. دارمستتر، جیمز ۱۳۸۲: ص ۲۹۴.

۶. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: ص ۲۸.

۱. دارمستتر، جیمز ۱۳۸۲: ص ۱۱۶.



فرگرد هفتم نیز دربارهٔ لاشهٔ آدمی و حملهٔ دیو نسو یا دروج لاشه- به شکل مگس خشناک- به جسد مردهٔ انسان می باشد. همچنین دربارهٔ طبابت، اجرت قانونی طیب و مطالبی دربارهٔ زنی که کودک مرده بزاید و کیفر اعدام برای کسی که گوشت آدمی یا لاشهٔ سگ بخورد، سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup>

فرگرد هشتم نیز دربارهٔ مراسم حمل جسد مرده و شرایط آن است. مطابق دستورات این فصل، غسل تطهیر مرده کشان و مشایعت کنندگان باید با گومیز گاو یا گوسفند انجام شود. در این فرگرد به مراسم «سگ دید» اشاره شده است. حضور سگ زرد یا سفید در محل عبور جنازه سبب می شود که دروج نسو یا دیو لاشه فرار کند.

فرگرد نهم باز هم در مورد مراسم تطهیر و انواع کیفرها و مجازاتها و اجرت مرد روحانی در این نوع مراسم می باشد.

فرگرد دهم دربارهٔ چگونگی پیکار و مبارزه با دیوان است. سحر کلام مقدس و تلاوت ادعیه جهت دور راندن دیوان در این فصل مطرح شده و باز هم در سر همهٔ دیوان، صحبت از دیو نسو است.

فرگرد یازدهم نیز دربارهٔ مراسم تطهیر و دوری از دیوان بوسیلهٔ خواندن کلام ایزدی است.

فرگرد دوازدهم درباره سوگواری و عزاداری در گذشتگان است. در این فصل از «اپه مان» یا مدت قانونی سوگواری بر مرگ خویشان، مدت سوگ برای مرد پارسا و همچنین برای مرد گناهکار سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup>

فرگرد سیزدهم درباره سگ و ارزش اوست.<sup>۲</sup> به موجب ونیداد سیزدهم احترام به سگ بسیار واجب است و اهورامزدا سگ را بر ضد دیو و دزد آفریده است. همچنین به کیفرهای سخت و خشنی که درباره آزاردهندگان سگ مرعی است، پرداخته شده است.<sup>۳</sup>

فرگرد چهاردهم درباره کیفر و پادافراه کشتن ببر (= گربه وحشی، جند بیدستر) است. این فصل متمم فصل سیزدهم است و کیفرهایی برای کسی که ببر را بکشد تعیین شده است. در این فرگرد درباره آتش و افزار و ادواتی که باید در آتشگاه باشد، اشاراتی شده است.<sup>۴</sup>

فرگرد پانزدهم در مورد گناهان مرگ ارزان (= گناهانی که کیفر آنها مرگ است)، کیفر سقط جنین، وظایف مرد نسبت به همسر و فرزند و پرورش سگ سخن رفته است. به موجب این فرگرد سقط جنین ممنوع است. برای مردی که علیرغم میل زن یا

۱. دارمستتر، جیمز ۱۳۸۲: ص ۲۰۶.

۲. راشد محصل، محمد تقی ۱۳۸۲: ص ۲۸.

۳. دارمستتر، جیمز ۱۳۸۲: ص ۲۱۱.

۴. همان: ص ۲۲۳.

دختری با وی نزدیکی کرده و او را آبتن کند، مجازاتی در نظر گرفته نشده است. هرگاه دختری غیر قانونی آبتن شود کسی موظف نیست در هنگام زائیدن او را پناه داده یا پرستاری کند. اما هرگاه سگ آبتنی را حتی با صدا بترساند، موجب گناهی شده است که بی توبه است<sup>(۱۵)</sup>.

فرگرد شانزدهم در مورد زن دشتانمند است. دشتان به معنی دوران قاعدگی زنان است و در این فرگرد به وظایف زن در این دوره، جدا کردن وی از اعضای خانواده و شیوه تطهیر وی

اشاره شده است<sup>۱</sup>.

فرگرد هفدهم قانونها و روش های کوتاه کردن مو و ناخن می باشد. چون هرگاه آدمی بمیرد بلافاصله دیو نسو در وی حلول کرده و بدنش نجس می شود، لذا هر جزئی که از بدن کسی بریده شود و یا جدا شود مانند مو و ناخن و خون و چیزهای دیگر در همین شمار است و مجازات و کیفرها و آداب و رسومی خاص در ارتباط با این مسایل مطرح است.

و اما فرگرد هجدهم که موضوع این رساله می باشد، دارای هفتاد و شش بند بوده و موضوعات مطرح شده در آن به شرح زیر می باشد:

**الف) بندهای ۱-۱۳:** به موضوع موبد ناشایست می پردازد. موبدی که از انجام صحیح شعایر مذهبی مانند بستن پنام و گشتی، به کار بردن ابزار کشتن خرفستران، به دست گرفتن برسم، سرآیدن گاهان، ذکر و عبادت در شب و ... مطلع نیست و به دروغ خود را «آثرون» می نامد.

مسئله دیگر طلب آمرزش و کمک به فرد ناپرهیزکار و گناهکار است که فایده ای نداشته و در صورت تکرار به صورت نفرین به خود شخص دعا کننده بر خواهد گشت و همچنین نباید به شخص ناپرهیزکار از شیرۀ هوم یا فدیۀ ها و نذرها و میزدها داده شود.

**ب) بندهای ۱۴-۲۹:** موضوع این بندها بیان تقدس پرنده خروس به عنوان پرنده سروش<sup>(۱۶)</sup> است که مردمان را برای عبادت و محافظت از آتش بیدار می کند. در بند شانزدهم صحبت از دیو بوشاسب درازدست است که دیو خواب مفرط و سستی و کاهلی است. هنگامی که خروس در بامداد می خواند، او همه تلاش خود را بکار می برد تا جهان را در خواب نگه دارد. در بندهای بعدی ایزد آتش پیش از آنکه آزی دیو آفریده آنرا خاموش کند، از مؤمنان طلب یاری می کند. و دعای خیر ایزد آتش برای آتش افروزندگان مطرح شده است. همچنین از ثواب انفاق و صدقه دادن گوشت به مرد آشو سخن به میان آمده است.

ج) **بندهای ۵۹-۳۰:** این بندها به صورت گفتگو میان سروش و دروج تنظیم

شده است که در آن چهار گناهی که سبب آستن شدن دروج بدون مجامعت

می شوند شرح داده شده و کفاره هر یک بیان شده است.

▪ نخست کسیکه مردان اشو را انفاق نکند که کفاره آن صدقه و انفاق از

روی راستی است.

▪ دوم مردیکه ایستاده ادراار کند که کفاره آن سه گام دور شدن از محل

و خواندن سه مرتبه دعای «اشم و هو»، دوبار دعای «هومته نام» و

سه بار دعای «هوخشترمه»، و چهاربار دعای «اهونه وئیریه» و

یکبار دعای «ینگه هاتام» است.

▪ سوم مردی که در خواب دچار احتلام شود که کفاره وی همانند مورد

دوم است.

▪ چهارم مردی زناکار که کُشتی<sup>(۱۷)</sup> نبندد و سدره نپوشد که اگر مرد یا

زنی بد روش بدون کشتی فراز رود به هیچ وجه کفاره ای برای او میان

برداشتن و جبران گناه وی وجود ندارد.

د) **بندهای ۶۵-۶۰:** به اعمال بد و شیطانی می پردازد که از جهی (نماد

روسپیگری) سر می زند. طی پرسشی زرتشت از اهورامزدا پرسید که چه کسی

با بزرگترین رنجوری، وی را رنجور می کند. پاسخ اورمزد چنین است: "

شخص زناکار که نطفه ها را از دیندار و بی دین با هم می آمیزد. نگاه زناکار و روسپی سبب کاهش آب و گیاه و رستنی ها می شود.<sup>(۱۸)</sup>

۵) **بندهای ۷۶-۷۷:** به موضوع آمیزش با زن دستانمند و کفاره این عمل می پردازد. طبق این بندها چنانچه کسی آگاه و دانسته دستان مرزی کند، باید هزار چهارپای کوچک کشته و تکه هایی را با زوهر برای آتش و قسمتهایی را برای آبهای نیک فراز برد. یک هزار پشته هیزم سخت خشک شده برگزیده و هزار پشته هیزم نرم از گیاهان خوشبو برای آتش نثار کند. هزار دسته برسم و هزار پیمان هوم آمیخته به شیر برای آبهای نیک نثار کند. هزار مار خزنده بکشد و دوهزار دیگر، هزار وزغ و دو هزار دیگر، هزار مورچه و دو هزار دیگر و سی پل بر آبهای روان بنا کند. همچنین باید هزار تازیانه با شلاق و دوهزار دیگر با «سروش چرنام» دریافت کند. اگر کفاره دهد از پرهیزکاران و اگر ندهد به جهان دروندان رود.<sup>(۱۹)</sup>

در فرگرد نوزدهم و نداد، زرتشت از اورمزد درخواست می کند که او را نسبت به حقایق دین آگاه گرداند. این فرگرد به آزمون زرتشت توسط انگره مینو پرداخته است. همچنین با دیدی خاص تاریخچه تولد زرتشت را حکایت می کند. مسئله ای که حتی قبل از تولد او موضوع وسوسه انگره مینو است.